

Effect of Dignity Therapy on Functional Aspects of Quality of Life in Cancer Patients: A Randomized Controlled Trial

Hossein Rahimi¹,
Nasim Mehrpooya²,
Ahmad Nasiri Furg³,
Seyyed Abolfazl Vagharseyyedin³

¹ Instructor, Department of Nursing, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

² MSc in Psychiatric Nursing, Neyshaboor University of Medical Sciences, Neyshaboor, Iran

³ Associate Professor, Department of Nursing, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

(Received March 9, 2020 ; Accepted June 2, 2020)

Abstract

Background and purpose: Cancers are the third leading cause of death in Iran. Cancer reduces functional aspects of quality of life (QOL). This study aimed to determine the effect of dignity therapy on functional dimensions of quality of life in cancer patients.

Materials and methods: A randomized controlled clinical trial was carried out in 76 patients with cancer in Birjand Iranmehr Hospital, 2019. Information, including demographic characteristics, was obtained, and EORTC QLQ-C30 was completed before the intervention. The participants were randomly allocated to either an intervention group or a control group. Dignity therapy was administered in the intervention group in 3-4 sessions of 30-45 minutes, while the control group received no intervention. Four weeks after the intervention, the EORTC QLQ-C30 was completed again in both groups.

Results: Mann-Whitney test showed no significant difference between the intervention and control groups in functional aspects of QOL before the intervention ($P > 0.05$). After the intervention, the mean scores for emotional and social functioning and their changes significantly increased in the intervention group compared to the control group ($P < 0.05$). However, the mean scores for physical, role, and cognitive functioning in the intervention group did not significantly change compared to the control group ($P > 0.05$). After the intervention, total mean score for functional aspects showed a significant increase in the intervention group compared to the control group ($P < 0.05$).

Conclusion: Dignity therapy could be considered as one of the supportive-palliative methods for improving the functional aspects of QOL in cancer patients.

(Clinical Trials Registry Number: IRCT20190604043820N1)

Keywords: dignity therapy, quality of life, cancer

J Mazandaran Univ Med Sci 2020; 30 (187): 68-83 (Persian).

* Corresponding Author: Hossein Rahimi - Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran
(E-mail: Hosseinrahimi92@yahoo.com)

تأثیر شأن درمانی بر ابعاد عملکردی کیفیت زندگی بیماران سرطانی: یک کار آزمایی بالینی تصادفی شده

حسین رحیمی¹
نسیم مهرپویا²
احمد نصیری فورگ³
سید ابوالفضل وقارسیدین³

چکیده

سابقه و هدف: در ایران سرطان‌ها سومین عامل مرگ و میر محسوب می‌شوند. سرطان موجب مخدوش شدن ابعاد عملکردی کیفیت زندگی می‌شود. این مطالعه باهدف تعیین تأثیر شأن درمانی بر ابعاد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان انجام شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر یک کار آزمایی بالینی کنترل شده تصادفی شاهددار است که در سال 1398 روی 76 بیمار مبتلا به سرطان دارای پرونده در بیمارستان ایرانمهر بیرجند انجام شد. قبل از مداخله، فرم دموگرافیک و پرسشنامه بعد عملکردی کیفیت زندگی بیماران سرطانی تکمیل شد. شرکت کنندگان به طور تصادفی در گروه‌های مداخله و کنترل قرار گرفتند. در گروه مداخله، شأن درمانی در 3 تا 4 جلسه 30-45 دقیقه‌ای، انجام شد. در گروه کنترل، مداخله‌ای انجام نشد. 4 هفته پس از مداخله، پرسشنامه بعد عملکردی تکمیل شد.

یافته‌ها: نتایج آزمون من ویتنی نشان داد که قبل از مداخله، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات ابعاد مختلف بعد عملکردی بین دو گروه مداخله و کنترل وجود نداشت ($P > 0/05$). 4 هفته بعد از مداخله، میانگین و تغییرات میانگین نمرات عملکرد هیجانی و اجتماعی، افزایش معناداری در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل داشت ($P < 0/05$); اما میانگین نمرات عملکرد جسمانی، ایفای نقش و عملکرد شناختی در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل تغییرات معناداری نداشت ($P > 0/05$). میانگین نمره کلی بعد عملکردی، افزایش معناداری در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل نشان داد ($P < 0/05$). **استنتاج:** شأن درمانی می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های حمایتی - تسکینی در بهبود بعد عملکردی کیفیت زندگی بیماران سرطانی مورد توجه قرار گیرد.

شماره ثبت کار آزمایی بالینی: IRCT20190604043820N1

واژه‌های کلیدی: شأن درمانی، کیفیت زندگی، سرطان

مقدمه

دومین علت مرگ و میر در دنیا محسوب می‌شود و تا سال 2030 اولین و مهم‌ترین علت مرگ خواهد بود (3). سرطان‌ها در ایران، سومین عامل مرگ و میر محسوب می‌شوند و تا 10 سال آینده عامل 13 درصد از کل

ماهیت بیماری‌ها از حاد به مزمن تغییر پیدا کرده است (1). سرطان بیماری مزمنی است که به دلیل اختلال در ژن‌ها، بیان آن‌ها و نهایتاً اختلال در رشد و تکثیر و تمایز سلولی ایجاد می‌شود (2). در حال حاضر این بیماری

E-mail: Hosseinrahimi92@yahoo.com

مؤلف مسئول: حسین رحیمی - بیرجند: دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دانشکده پرستاری و مامایی

1. مربی، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

2. کارشناس ارشد پرستاری روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی نیشابور، نیشابور، ایران

3. دانشیار، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

تاریخ دریافت: 1399/12/19 تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: 1399/1/24 تاریخ تصویب: 1399/3/13

مرگ و میرها خواهد بود (4). سرطان تأثیرات نامطلوبی بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی مبتلایان دارد (5). این بیماری باعث مخدوش شدن کیفیت زندگی در ابعاد عملکرد جسمانی، نقش فیزیکی و عملکرد اجتماعی مبتلایان می شود (6). بیم از مرگ، هراس از عدم استقلال و وابستگی به دیگران، وحشت از بدشکلی، تغییر یا بروز ناهنجاری در شکل ظاهری، آشفتگی و اختلال در روابط بین فردی و خانوادگی و عوارض جسمی مرتبط با ماهیت سرطان و نوع درمان می توانند منجر به کاهش کیفیت زندگی در ابعاد مختلف شوند (7-9).

در مطالعات Sundaresan و همکاران (2015) و عیسی زادگان و همکاران (2016) ابعاد کیفیت زندگی و کیفیت زندگی کلی بیماران سرطانی نامطلوب گزارش شده است (10، 11).

از سوی دیگر با توجه به تغییرات نامطلوب ایجاد شده در کارکردها، مسوولیت و فعالیت های روزانه در مبتلایان به سرطان، احساساتی همچون کم ارزشی، بی لباقتی و کاهش عزت نفس بیماران را درگیر می کند. به عبارت دیگر، احساس کرامت و شأن انسانی بیماران به دنبال ابتلا به سرطان تحت تأثیرات نامطلوب قرار می گیرد. کاهش شأن و افت احساس ارزشمندی و کرامت، کیفیت زندگی را کاهش می دهد (12). در این راستا پژوهشگران معتقدند که کرامت و شأن در بیماران نزدیک به مرگ، ارتباط مستقیم با کیفیت زندگی آنان دارد، به طوری که با افزایش کرامت و شأن، بعد عملکردی کیفیت زندگی بیماران مذکور نیز بهبود می یابد (13). لازم به ذکر است که ارتقاء ابعاد کیفیت زندگی بیماران سرطانی باعث پذیرش کامل روند درمان، کنترل علائم و عوارض ناشی از درمان ها می شود، همچنان که کاهش کیفیت زندگی، توانایی سازگاری بیماران با پدیده سرطان را کاهش می دهد و عوارض آن را تشدید می کند (14). بنابراین انجام مداخلات بهبوددهنده کرامت و شأن انسانی و به دنبال آن افزایش کیفیت زندگی در مبتلایان به سرطان ضروری به نظر

می رسد. روش های مختلفی برای بهبود کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان وجود دارد. انتخاب روش های درمانی با عوارض کم تر، مشاوره و روان درمانی از جمله این روش ها هستند (15، 16). کم عارضه ترین داروهای شیمی درمانی ذاتا عوارض نامطلوب جسمی و روانی بر بیماران سرطانی تحمیل می کنند (17) و کیفیت زندگی آنان را تحت تأثیرات نامطلوب قرار می دهند. علی رغم تأثیرات مطلوب درمان های مبتنی بر مداخلات روان شناختی به دلیل این که این مداخلات غالبا گران و زمانبر هستند توسط بیماران مورد استقبال قرار نمی گیرند (18). لذا استفاده از رویکردهای درمانی ارزان، ساده و در دسترس نظیر شأن درمانی مورد توجه قرار گرفته است. شأن در لغت به معنای منزلت و جایگاه است (19). شأن درمانی مداخله ای کوتاه مدت جهت کاهش رنج روانی و دیسترس ناشی از بیماری های مزمن است (22-20). سازمان بهداشت جهانی احترام و توجه به شأن و منزلت بیماران را عاملی مهم در افزایش سلامت بیماران می داند (23). به طور کلی شأن درمانی، مبتلایان به بیماری های تهدیدکننده حیات را به صحبت در مورد موضوعاتی که برایشان اهمیت دارد، تشویق می کند. طی جلسات شأن درمانی در مراکز درمانی یا محل سکونت بیماران، درمانگر (پرستار، پزشک یا روانشناس) با ایجاد انگیزه و علاقه مندی در بیماران نسبت به روایت و بازگویی قصه زندگی و سرگذشتشان، آنان را به بیان اساسی ترین و مهم ترین اندیشه ها، عواطف و احساسات مطلوب یا آزاردهنده، امیدها و خواسته هایشان از عزیزان و اعضای خانواده تشویق می کند. به عبارت دیگر هدف نهایی شأن درمانی، دعوت بیماران نزدیک مرگ به صحبت در مورد موضوعاتی است که برایشان اهمیت دارد (24، 25). در این روش درمانی، از بیمار خواسته می شود که به سؤالاتی نظیر "ماحصل زندگی شما چیست؟ چه موضوعی باعث احساس افتخار شما می شود؟ چه امیدها و آرزوهایی برای فرد مورد علاقه تان دارید؟ چه درس هایی از زندگی آموخته اید که می خواهید برای

دیگران بیان کنید؟ چه آرزوهایی برای خود و چه درخواست‌هایی از اطرافیان خود دارید؟" پاسخ دهد، تا اطرافیان وی در صورت امکان، شرایط برآورده شدن خواسته‌ها و آرزوهای بیمار را فراهم کنند (21). مطالعات مختلف نشان داده‌اند که توجه و برآورده کردن نیازهای جسمی، روحی و روانی بیماران نزدیک مرگ باعث بهبود ابعاد کیفیت زندگی آنان می‌شود (13، 26).

مفهوم شأن و منزلت انسانی در فلسفه پرستاری نیز مورد توجه قرار گرفته است (26). پرستاران نسبت به سایر اعضای گروه درمانی نقش قابل توجهی در روند درمان بیماران مزمن دارند، چون زمان بیش تری را با بیماران سپری می‌کنند (27). از طرفی با توجه به پارادایم بایوسایکوسوشیال در فلسفه پرستاری، ارائه مراقبت‌های کل نگر از وظایف پرستاران ذکر شده است. در پارادایم مذکور علاوه بر نیازهای جسمی، مشکلات روحی و روانی بیماران نیز باید مورد توجه قرار گیرد (19، 28). لذا پرستاران با بکارگیری این روش درمانی می‌توانند نقش موثرتری در بهبود شرایط جسمی و روحی بیماران سرطانی ایفا کنند. در زمینه بررسی تأثیر شأن درمانی بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی مبتلایان به بیماری‌های مزمن و صعب‌العلاج نتایج مختلفی به دست آمده است.

Dose و همکاران (2018) پژوهشی با هدف تعیین تأثیر شأن درمانی بر بیماران مبتلا به سرطان پیشرفته تحت شیمی درمانی انجام دادند. نتایج پژوهش مذکور نشان داد که پس از شأن درمانی در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل، بهزیستی و عملکرد جسمی مبتلایان به سرطان پانکراس و ریه بهبود نیافته است (29). این در حالی است که نتایج مطالعه Vergo و همکاران (2014)، Rudilla و همکاران (2016) و Houmann و همکاران (2014) بیانگر تأثیر مطلوب شأن درمانی بر علائم جسمی و کاهش درد بیماران در گروه مداخله نسبت به کنترل بود (30-32).

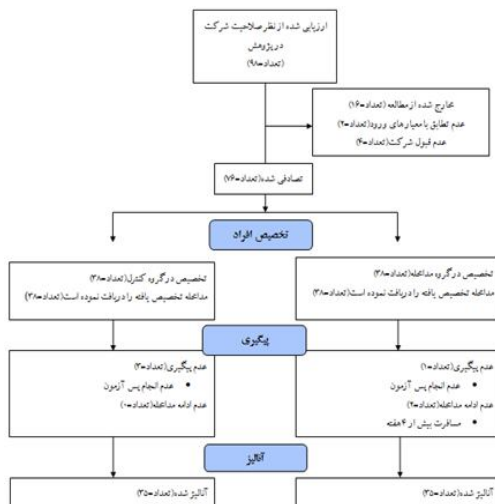
در زمینه تأثیر شأن درمانی بر عملکرد هیجانی و عملکرد اجتماعی بیماران سرطانی نیز نتایج متناقض

است. نتایج پژوهش Rudilla و همکاران و Houmann و همکاران بیانگر تأثیر شأن درمانی بر بهبود عملکرد هیجانی و اجتماعی بیماران است (31، 32)؛ اما نتایج مطالعه Vergo و همکاران و Dose و همکاران نشان دادند که شأن درمانی بر بهبود و ارتقاء بهزیستی هیجانی، بهزیستی اجتماعی و خانوادگی مبتلایان به سرطان تأثیر ندارد (29، 30). همان‌طور که ذکر شد مطالعات مختلفی در زمینه بررسی تأثیر شأن درمانی در کشورهای غیر مسلمان (کشورهای انگلوساکسون نظیر ایالات متحده، کانادا، استرالیا و انگلستان) و با زمینه فرهنگی متفاوت انجام شده است که نتایج متناقضی را گزارش کرده‌اند. لذا با توجه به این که متخصصان حوزه شأن درمانی معتقدند که احتمالاً فرهنگ و مذاهب مختلف می‌تواند بر نتایج شأن درمانی تأثیرات گوناگونی داشته باشد (33، 34) و از آنجایی که در کشور ایران با زمینه فرهنگی کاملاً متفاوت با کشورهای مذکور، پژوهشی که منحصراً به بررسی تأثیر شأن درمانی بر بُعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان پرداخته باشد، یافت نشد، لذا پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر شأن درمانی بر ابعاد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان انجام شد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه کارآزمایی بالینی تصادفی شاهد دار است که در سال 1398 انجام گردید. محیط پژوهش بیمارستان تخصصی سرطان ایرانمهر شهر بیرجند بود. جامعه پژوهش شامل کلیه مبتلایان به سرطان دارای پرونده در بیمارستان ایرانمهر بود. نمونه مورد پژوهش، 76 بیمار مبتلا به سرطان و دارای معیارهای ورود به پژوهش بودند. معیارهای ورود شامل اطلاع بیمار از ابتلا به سرطان، گذشت حداقل 6 ماه از تشخیص سرطان، سن بیش از 18 سال، توانایی خواندن و نوشتن، عدم تمایل به مهاجرت یا مسافرت تا یک ماه آینده، عدم ابتلا به اختلالات روانی شناخته شده و عدم مصرف داروهای روانپزشکی بر اساس اطلاعات موجود

پژوهشگر پس از اخذ مجوزهای لازم از معاونت پژوهشی و ریاست مرکز ایرانه مهر وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، 76 شرکت کننده دارای معیارهای ورود را با روش نمونه گیری در دسترس دعوت به همکاری در پژوهش نمود. سپس با معرفی خود، بیان اهداف و نحوه انجام پژوهش رضایت آن‌ها را به صورت کتبی برای شرکت در پژوهش اخذ نمود. در مرحله بعد فرم اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه کیفیت زندگی بیماران سرطانی (بعد عملکردی) توسط مشارکت کنندگان تکمیل گردید. برای تخصیص تصادفی به دو گروه مداخله و کنترل از پرتاب سکه استفاده شد، به این منظور 4 مشارکت کننده اول با پرتاب سکه (شیر) در گروه مداخله قرار گرفتند، متعاقباً چهار نفر بعدی در گروه دیگر قرار گرفت. نهایتاً 38 نفر در هر گروه تخصیص داده شد (نمودار شماره 1).



نمودار شماره 1: فرایند کانسورت پژوهش

جمع‌آوری اطلاعات

جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های اطلاعات دموگرافیک و پرسشنامه کیفیت زندگی بیماران سرطانی (بعد عملکردی) استفاده شد. پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک شامل سن، جنس، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، نوع سرطان، نوع درمان و

در پرونده بیماران و صحت وضعیت روانی و شناختی مشارکت کنندگان بود. به منظور سنجش و تأیید صحت عملکرد روانی و شناختی مشارکت کنندگان از پرسشنامه معاینه مختصر وضعیت روانی (MMSE¹) Folstein و همکاران (1975) استفاده شد (35). این ابزار به طور کلی دارای 30 آیتم است. به طوری که از 3 آیتم 5 امتیازی، سه آیتم 3 امتیازی، یک آیتم 2 امتیازی و چهار آیتم 1 امتیازی تشکیل شده است. آیتم‌های 5 امتیازی شامل آگاهی به زمان، آگاهی به مکان و توجه و محاسبه می‌باشند. آیتم‌های 3 امتیازی شامل اجرای دستورات سه مرحله‌ای (مانند بلند شو، راه برو، بشین) و حافظه اخیر و حافظه فوری است. آیتم 2 امتیازی شامل نامیدن دو جسم است که هر جسم یک امتیاز دارد. آیتم‌های 1 امتیازی این ابزار نیز شامل خواندن، نوشتن، تکرار و شکل است. حداقل امتیاز در هر آیتم 0 و حداکثر امتیاز 1 می‌باشد. بنابراین نمره کلی این پرسشنامه بین 0 تا 30 است. نقطه برش پرسشنامه مذکور امتیاز 21 در نظر گرفته شد (36) و شرکت کنندگانی که نمره 21 یا بیش‌تر کسب کردند وارد مطالعه شدند. روایی و پایایی این ابزار در مطالعات مختلف تأیید و بیش از 0/7 گزارش شده است (35، 37). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ پرسشنامه مذکور 0/89 محاسبه گردید. معیارهای خروج شامل عدم تمایل به ادامه شرکت در پژوهش، عدم همکاری فرد معتمد بیمار (عضو خانواده یا دوست بیمار) نسبت به دریافت سند مولد و ابتلا به سایر بیماری‌های مزمن و تهدید کننده حیات بود. حجم نمونه با توجه به مطالعه واقعی و همکاران (1393) با توان 84 درصد و در نظر گرفتن احتمال 10 درصدی ریزش نمونه‌ها برای گروه مداخله (38 نفر) و کنترل (38 نفر) در نظر گرفته شد (38).

$$n = \frac{(Z_{1-\alpha/2} + Z_{1-\beta})^2 (s_1^2 + s_2^2)}{(\bar{X}_1 - \bar{X}_2)^2} = \frac{(1/96 + 0/84)^2 (10/24 + 5/10)}{(32/2 - 34/1)^2} = \frac{7/84 + 15/34}{3/61} = 34$$

1. Mini-Mental State Examination

زمان تشخیص سرطان بود.

مد/خله

ترجمه سؤالات پروتکل شأن درمانی

دو مترجم فارسی زبان و دو مترجم انگلیسی زبان به روش forward-backward سؤالات پروتکل را ترجمه کردند. سؤالات ترجمه شده توسط متخصص روانپرستار عضو هیات علمی دارای مقالات مشابه در زمینه شأن درمانی که در زمینه مراقبت های تسکینی و شأن درمانی تخصص و فعالیت داشتند، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نهایت نسخه ترجمه شده جهت تأیید نهایی به ابداع کننده روش شأن درمانی آقای Chochinov ارسال شد. بعد از تأیید نهایی ایشان، سؤالات ترجمه شده در جلسات شأن درمانی استفاده شدند (جدول شماره 1). قابل ذکر است که تمامی روند ترجمه بر اساس روش سازمان اروپایی تحقیقات و درمان سرطان انجام شد (41).

جدول شماره 1: سؤالات پروتکل شأن درمانی

- در مورد زندگی خود صحبت کنید، مخصوصاً بخش هایی که از نظر شما مهم هستند و آن ها را بیشتر به یاد دارید. در چه برهه ای از زندگی، احساس سرزندگی می کردید؟
- آیا مسطهای هست که می خواهید خانواده خود را از آن مطلع کنید؟ آیا موضوع خاصی هست که تمایل به یادآوری و بازگویی آن داشته باشید؟
- در مورد مهم ترین وظایف و نقش هایی که در زندگی داشته اید (نقش های خانوادگی، نقش های حرفه ای و ...) صحبت کنید. چرا برای شما این قدر مهم بودند و چه نتیجه ای برای شما داشته اند؟
- مهم ترین دستاوردهای شما چیست و چه موضوعی بیشتر باعث احساس افتخار در شما می شود؟
- آیا مورد خاصی وجود دارد که احساس می کنید باید به کسی که دوستش دارید، بگویید؟ آیا موضوعی وجود دارد که بخواهید دوباره دربارهاش صحبت کنید؟
- چه آرزوهایی برای عزیزانتان دارید؟
- زندگی به شما چه درس هایی داده است؟ چه نصیحت و توصیه ای به عزیزانتان خود (پسر، دختر، شوهر، همسر، والدین و سایرین) دارید؟
- چه درخواست ها و آرزوهایی دارید تا خانواده برای شما فراهم کند؟
- آیا موضوعی بااهمیتی که فراموش شده باشد و تمایل دارید که عزیزانتان بدانند وجود دارد؟

جلسات شأن درمانی

قبل از آغاز جلسات شأن درمانی، پژوهشگر دارای تحصیلات کارشناسی ارشد در رشته روانپرستاری تحت آموزش پروتکل شأن درمانی قرار گرفت. جلسات آموزشی به مدت 100 ساعت برگزار گردید. آموزش به صورت جلسات تک نفره در محضر استادیار روانپرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد انجام شد. طی پروسه آموزش، پژوهشگر ابتدا به مشاهده مصاحبه مدرس صلاحیت دار با بیماران پرداخت. پس از تمرین پروتکل

در پژوهش حاضر به منظور سنجش بُعد عملکردی کیفیت زندگی از پرسشنامه کیفیت زندگی بیماران سرطانی استفاده شد. این پرسشنامه شامل 30 عبارت است که کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان را در بُعد عملکردی، بُعد علائم و بُعد کیفیت زندگی عمومی مورد بررسی قرار می دهد. بُعد عملکردی شامل عملکرد جسمانی (سؤالات 1، 2، 3، 4، 5)، ایفای نقش (سؤالات 6، 7)، عملکرد هیجانی (سؤالات 20، 25)، عملکرد شناختی (سؤالات 21، 22، 23، 24)، عملکرد اجتماعی (سؤالات 26، 27، 29) است. بُعد علائم شامل خستگی (سؤالات 10، 12، 18)، تهوع و استفراغ (سؤالات 14، 15)، درد (سؤالات 9، 19)، تنگی نفس (سؤال 8)، اختلال خواب (سؤال 11)، کاهش اشتها (سؤال 13)، بیوست (سؤال 16)، اسهال (سؤال 17)، مشکلات اقتصادی ناشی از ابتلا به بیماری (سؤال 28) و بُعد کیفیت زندگی عمومی (سؤالات 29، 30) است. این پرسشنامه دارای مقیاس لیکرت 4 درجه ای به هیچ وجه (0)، کمی (1)، زیاد (2)، خیلی زیاد (3) است؛ البته بُعد کیفیت زندگی عمومی دارای مقیاس 7 درجه ای است. طبق دستورالعمل پرسشنامه نمرات کسب شده با روش تبدیل خطی به نمرات استاندارد بین 0 تا 100 تبدیل شدند. در بُعد عملکردی و بُعد کیفیت زندگی کلی نمره بالاتر نشان دهنده کیفیت زندگی بهتر است.

اما در بُعد علائم نمره بالاتر نشان دهنده مشکلات بیش تر است. ضریب آلفای کرونباخ ابعاد این پرسشنامه مطلوب گزارش شده است. پرسشنامه کیفیت زندگی بیماران سرطانی (EORTC QLQ-C30) به عنوان ابزاری روا و پایا در پژوهش های کارآزمایی بالینی قابل استفاده است (39). در مطالعات مختلف آلفای کرونباخ همه ابعاد پرسشنامه کیفیت زندگی بیماران سرطانی بیش از 0/8 برآورد شده است (40). در مطالعه حاضر آلفای کرونباخ بُعد عملکردی پرسشنامه کیفیت زندگی بیماران سرطانی 0/76 محاسبه شد.

شأن درمانی با بیمار نما، با تایید مدرس مذکور، پژوهشگر به طور مستقل و در حضور مدرس پروتکل شأن درمانی به انجام مصاحبه با بیماران پرداخت. مجوز ورود پژوهشگر به بالین و انجام مصاحبه به صورت مستقل با مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر، تاییده کتبی مدرس مذکور بود. جلسات شأن درمانی با رعایت حریم خصوصی بیمار، حفظ آرامش و سکوت محیط مصاحبه و حداکثر احترام به شخصیت مشارکت کنندگان در بیمارستان ایرانمهر برگزار شد. جلسات شامل مصاحبه های 30-45 دقیقه ای، در سه تا چهار جلسه، طی 10 روز بود. در جلسه اول پژوهشگر ضمن معرفی اهداف پژوهش، مشارکت کننده را با سؤالات پروتکل شأن درمانی آشنا ساخت و فرصت لازم جهت تفکر و آماده سازی پاسخ به سؤالات پروتکل را در اختیار بیماران قرار داد. در جلسات دوم و سوم، بیماران با توجه به سؤالات موجود در پروتکل شأن درمانی می توانستند در مورد خاطرات مهم، خواسته ها، آرزوها و نگرانی های خود صحبت کنند. طی این فرایند پژوهشگر (روانپرستار آموزش دیده در زمینه شأن درمانی) با استفاده از سؤالات باز، روند پاسخ دهی مشارکت کنندگان به سؤالات پروتکل را تسهیل می کرد. پژوهشگر با پرسیدن سؤالاتی مانند این که "اگر به زندگی شما مثل یک آلبوم عکس نگاه کنیم شما کدام عکس را بیش تر به خاطر دارید؟" و یا این که "شما در چه زمانی بیش تر احساس شادابی می کردید؟" و یا این که "چه موضوعی برای شما ناراحتی بیش تر به دنبال دارد؟" در یادآوری خاطرات، به بیمار کمک می کرد. طی جلسات صحبت های بیماران با دستگاه دیجیتال ضبط صدا ثبت شد. در صورتی که طی سه جلسه پاسخ شرکت کننده به سؤالات پروتکل کامل نمی شد، جلسه چهارم برای بیمار برگزار می شد. در پایان جلسات از بیمار خواسته می شد، اگر مطلب ناگفته ای دارد که تمایل دارد در مصاحبه ضبط و ثبت شود را بیان کند. پس از پایان تمامی جلسات، فرایند نگارش و ویرایش صحبت های ضبط شده در جلسات

مصاحبه آغاز شد. طی این فرایند صحبت های بیماران توسط پژوهشگر با رعایت امانت داری به صورت کلمه به کلمه نگارش و مکتوب شدند. کلمات و عبارات محاوره ای و بخش هایی از متن که مرتبط با موضوع مصاحبه و سؤالات پروتکل نبودند، حذف شدند. قسمت هایی از متن نگارش شده که به نظر می رسید برای دریافت کننده سند مولد (عضو خانواده یا دوست بیمار) خوشایند نباشد با نظر مستقیم بیمار اصلاح و بازنویسی شد و نهایتاً جمله یا پاراگرافی از صحبت های وی به عنوان پیام پایانی بیمار ذیل متن (سند مولد) نوشته شد. صحبت های نگارش شده بیماران 5 تا 7 روز بعد از اتمام جلسات شأن درمانی به بیمار بازگردانده شد تا در صورت وجود ایرادات و تناقض، اصلاحات نهایی صورت گیرد. در صورت تأیید نهایی سند مولد توسط بیمار، از وی خواسته می شد تا فردی از خانواده یا دوستان که مایل است سند مولد نهایی به وی تحویل داده شود را معرفی کند. فرد انتخاب شده توسط بیمار، به محیط پژوهش دعوت شد. با ارائه توضیحات در مورد شأن درمانی به فرد معتمد بیمار سرطانی، سند مولد به طور مکتوب به او تحویل داده شد. از فرد دریافت کننده سند مولد نهایی خواسته شد در صورت تمایل بیمار و با هماهنگی او، سند مولد را با سایر وابستگان و عزیزان بیمار به اشتراک گذارد تا آن ها نیز با افکار، آرزوها، تمایلات و گذشته بیمار آشنا شوند. از فرد معتمد (دریافت کننده سند مولد) درخواست شد تا با توجه به شرایط خانوادگی بیمار، وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده و با همکاری آن ها، حتی الامکان بستر تامین و فراهم سازی نیازهای بیمار، درخواست ها و ایجاد بستر بهبود حس کرامت و ارزشمندی در بیماران را فراهم کنند. گروه کنترل مراقبت های روتین ارایه شده توسط مرکز ایرانمهر بیرجند را دریافت کردند و مداخله ای در این گروه انجام نشد. 4 هفته بعد از اتمام مداخله، مشارکت کنندگان در هر دو گروه بعد عملکردی پرسشنامه کیفیت زندگی بیماران سرطانی را تکمیل کردند.

جمع‌آوری کننده و تحلیلگر داده‌ها نسبت به نوع مداخله انجام شده برای هر گروه بی‌اطلاع بودند. پرسشنامه‌های قبل از مداخله در گروه مداخله با حرف M و گروه کنترل با N کدگذاری شدند. پرسشنامه‌های بعد از مداخله در گروه مداخله با حرف G و گروه کنترل با H کدگذاری شدند. کدگذاری توسط پژوهشگر انجام شد و هیچ فردی جز پژوهشگر از نحوه کدگذاری مطلع نبود.

تحلیل آماری

در این پژوهش از نرم‌افزار آماری SPSS16 استفاده شد. از آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و آمار تحلیلی استفاده گردید. از آزمون اسمیرنوف کولموگروف به منظور بررسی توزیع داده‌ها استفاده شد. برای مقایسه میانگین نمره کیفیت زندگی قبل و بعد از مداخله داخل گروهی از آزمون تی-زوجی (در صورت نرمال بودن داده‌ها) و از آزمون ویلکاکسون (در صورت غیر نرمال بودن داده‌ها) استفاده شد. برای مقایسه میانگین و تغییرات میانگین نمرات کیفیت زندگی بین دو گروه مداخله و کنترل از آزمون تی مستقل (در صورت نرمال بودن داده‌ها) و آزمون مین ویتنی (در صورت غیر نرمال بودن داده‌ها) استفاده گردید. سطح معناداری برای تمام آزمون‌های آماری $P < 0/05$ در نظر گرفته شد.

ملاحظات اخلاقی

این پژوهش با تصویب در مرکز ثبت کارآزمایی بالینی ایران با کد (IRCT20190604043820N1) و کمیته اخلاق دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (IR.BUMS.REC.1397.267) انجام شد. پژوهشگر، هدف مطالعه و روش کار را برای شرکت کنندگان پژوهش توضیح داد. پس از امضای آگاهانه رضایت‌نامه به آنان گفته شد در هر مرحله از پژوهش امکان انصراف از ادامه شرکت در مطالعه بدون پرداخت هیچ گونه هزینه‌ای وجود دارد. به شرکت کنندگان در

خصوص محرمانه ماندن داده‌های جمع‌آوری شده اطمینان داده شد.

یافته‌ها

از مجموع 76 شرکت کننده در پژوهش حاضر، 6 نفر از مطالعه خارج شدند. اطلاعات 70 بیمار (35 نفر گروه مداخله و 35 نفر در گروه کنترل) مورد بررسی قرار گرفت. در گروه مداخله 28 نفر و در گروه کنترل 27 نفر مؤنث بودند. میانگین سنی افراد در گروه مداخله و کنترل به ترتیب برابر با $47/14 \pm 9/82$ و $47/89 \pm 9/62$ سال بود. در گروه مداخله بیشترین فراوانی مربوط به تحصیلات ابتدایی و در گروه کنترل، مدرک دیپلم بیشترین فراوانی را داشت. در گروه مداخله 1 نفر مجرد بود، این در حالی است که در گروه کنترل همه مشارکت کنندگان متأهل بودند. در گروه مداخله 20 نفر و در گروه کنترل 23 نفر خانه‌دار بودند. در هر دو گروه شایع‌ترین نوع سرطان، سرطان پستان بود. شایع‌ترین نوع درمان در هر دو گروه شیمی‌درمانی بود. نمرات وضعیت روانی 16 نفر در گروه مداخله و 17 نفر در گروه کنترل بین 21 تا 23 بود. در گروه مداخله 2 نفر و در گروه کنترل 1 نفر از آزمون وضعیت روانی نمره 30 (حداکثر نمره) را کسب کردند. توزیع فراوانی سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل، نوع سرطان، نوع درمان، زمان تشخیص سرطان و نمرات آزمون کوتاه وضعیت روانی (MMSE) بین دو گروه آزمون و کنترل تفاوت آماری معنی داری نداشت ($P > 0/05$) (جدول شماره 2). همان‌طور که نتایج آزمون مین ویتنی نشان داد، 4 هفته بعد از اتمام مداخله میانگین نمره عملکرد جسمانی در گروه مداخله $62/66 \pm 16/18$ و در گروه کنترل $62/10 \pm 13/41$ بود که از لحاظ آماری تفاوت معناداری نداشتند ($P = 0/98$). میانگین نمره ایفای نقش 4 هفته بعد از مداخله در گروه مداخله $83/80 \pm 16/90$ و در گروه کنترل $72/13 \pm 15/33$ بود که از لحاظ آماری تغییرات معناداری را نشان داد ($P = 0/008$).

جدول شماره 2: مقایسه توزیع فراوانی مشخصات جمعیت شناختی و وضعیت روانی در بیماران دو گروه مداخله و کنترل

متغیر	گروه مداخله تعداد (درصد)	گروه کنترل تعداد (درصد)	X ²	سطح معنی داری
سن	47/14±9/82	47/89±9/62	0/07	0/83
جنسیت	زن مرد	(77/1) 27 (22/9) 8	0/09	0/77
تحصیلات	ابتدایی سبک دیپلم دانشگاهی	(34/3) 12 (11/4) 4 (31/4) 11 (22/9) 8	3/82	0/28
وضعیت تأهل	مجرد متاهل	(2/9) 1 (97/1) 34	0/3	1/00
شغل	کارمند بازنشسته خانه‌دار آزاد	(20) 7 (11/4) 4 (57/1) 20 (11/4) 4	2/35	0/50
نوع سرطان	لنفوم سینه گوارش سایر موارد	(3/6) 3 (60) 21 (17/1) 6 (14/3) 5	0/59	0/90
نوع درمان	شیمی درمانی رادیوتراپی	(77/14) 27 (22/86) 8	2/76	0/34
زمان تشخیص سرطان	6 تا 8 ماه گذشته 9 تا 11 ماه گذشته 12 تا 14 ماه گذشته 15 تا 17 ماه گذشته پیش از 17 ماه گذشته	(25/71) 9 (14/28) 5 (22/85) 8 (28/57) 10 (8/59) 3	2/05	0/48
وضعیت روانی (MMSE)	23-21 26-24 29-27 30	(45/71) 16 (37/14) 13 (11/42) 4 (5/73) 2	1/47	0/81

جدول شماره 3: تعیین و مقایسه میانگین ابعاد عملکردی کیفیت زندگی بیماران سرطانی قبل و 4 هفته بعد مداخله بین دو گروه مداخله و کنترل

متغیر	میانگین ± انحراف معیار	گروه مداخله	گروه کنترل	سطح معنی داری
عملکرد جسمانی	قبل از مداخله بعد از مداخله	60/95±15/94 62/66±16/18	61/33±13/60 62/10±13/41	0/94 0/98
سطح معنی داری		0/07	0/57	
ایفای نقش	قبل از مداخله بعد از مداخله	76/66±17/24 83/60±16/90	71/90±18/42 72/13±15/33	0/47 0/008
سطح معنی داری		0/003	0/33	
عملکرد شناختی	قبل از مداخله بعد از مداخله	59/05±30/61 59/05±30/60	60/47±30/01 60/00±30/03	0/91 0/84
سطح معنی داری		0/86	0/14	
عملکرد هیجانی	قبل از مداخله بعد از مداخله	53/09±28/94 65/47±27/86	48/33±34/23 48/57±34/09	0/35 0/02
سطح معنی داری		0/003	0/32	
عملکرد اجتماعی	قبل از مداخله بعد از مداخله	54/29±29/80 66/19±28/72	54/77±29/02 54/77±29/02	0/90 0/04
سطح معنی داری		0/003	0/09	
بعد عملکردی	قبل از مداخله بعد از مداخله	60/88±16/88 67/44±15/11	59/36±17/39 59/52±17/82	0/72 0/04
سطح معنی داری		< 0/001	0/70	

a : Wilcoxon Test
b : paired t-test
c : Mann-Whitney Test
d : Independent T-Test

نتایج آزمون من ویتنی نیز نشان داد که تغییرات میانگین نمره عملکرد جسمانی در گروه مداخله $1/71 \pm 5/45$ و در گروه کنترل $0/77 \pm 6/42$ بود که از لحاظ آماری تفاوت معناداری نداشتند ($P = 0/74$). تغییرات میانگین نمره ایفای نقش در گروه مداخله $7/14 \pm 12/32$ و در گروه کنترل $0/23 \pm 10/75$ بود که از لحاظ آماری تفاوت معناداری نداشتند ($P = 0/22$). تغییرات میانگین نمره عملکرد شناختی در گروه مداخله $0/0001 \pm 0/001$ و در گروه کنترل $0/47 \pm 2/82$ بود که از لحاظ آماری تفاوت معناداری نداشتند ($P = 0/20$). تغییرات میانگین نمره عملکرد هیجانی در گروه مداخله $12/38 \pm 25/59$ و در گروه کنترل $0/24 \pm 1/41$ بود که از لحاظ آماری تفاوت معناداری داشتند ($P = 0/01$). تغییرات میانگین نمره عملکرد اجتماعی در گروه مداخله $11/91 \pm 28/46$ و در گروه کنترل $0/0005 \pm 0/002$ بود که از لحاظ آماری تفاوت معناداری داشتند ($P < 0/001$). تغییرات میانگین نمره کلی بعد عملکردی در گروه مداخله $6/56 \pm 9/63$ و در گروه کنترل $0/16 \pm 2/21$ بود که از لحاظ آماری تفاوت معنی داری نشان داد ($P < 0/001$) (جدول شماره 4).

میانگین نمره عملکرد شناختی 4 هفته بعد از مداخله در گروه مداخله $59/05 \pm 30/60$ و در گروه کنترل $60/00 \pm 30/03$ بود که از لحاظ آماری تغییرات معناداری را نشان نداد ($P = 0/84$). میانگین نمره عملکرد هیجانی 4 هفته بعد از مداخله در گروه مداخله $65/47 \pm 27/86$ و در گروه کنترل $48/57 \pm 34/09$ بود که تغییرات از لحاظ آماری معنادار بود ($P = 0/02$). میانگین نمره عملکرد اجتماعی 4 هفته بعد از مداخله در گروه مداخله $66/19 \pm 28/72$ و در گروه کنترل $54/77 \pm 29/02$ بود که تغییرات از لحاظ آماری معنادار بود ($P = 0/04$). نتایج آزمون تی مستقل نشان داد که میانگین نمره کلی بعد عملکردی 4 هفته بعد از مداخله در گروه مداخله $67/44 \pm 15/11$ و در گروه کنترل $59/52 \pm 17/82$ بود که تغییرات از لحاظ آماری معنادار بود ($P = 0/04$) (جدول شماره 3).

جدول شماره 4: مقایسه میانگین تغییرات نمره ابعاد عملکردی کیفیت زندگی بیماران سرطانی قبل و 4 هفته بعد مداخله در گروه های مداخله و کنترل

متغیر	میانگین $\pm$ انحراف معیار	گروه مداخله	گروه کنترل	سطح معنی داری
عملکرد جسمانی	1/71 $\pm$ 5/45	0/77 $\pm$ 6/42	0/74	
ایفای نقش	7/14 $\pm$ 12/32	0/23 $\pm$ 10/75	0/22	
عملکرد شناختی	0/0001 $\pm$ 0/001	-0/47 $\pm$ 2/82	0/20	
عملکرد هیجانی	12/38 $\pm$ 25/59	0/24 $\pm$ 1/41	0/01	
عملکرد اجتماعی	11/91 $\pm$ 28/46	-0/0005 $\pm$ 0/002	<0/001	
حیطه عملکردی	6/56 $\pm$ 9/63	0/16 $\pm$ 2/21	<0/001	

بحث

در حیطه دانش گروه تحقیقاتی ما پژوهش حاضر، اولین مطالعه‌ای در ایران است که با هدف تعیین تأثیر شأن درمانی بر ابعاد عملکردی کیفیت زندگی بیماران سرطانی انجام شده است. نتایج نشان داد که 4 هفته بعد از اتمام مداخله، تغییرات میانگین نمرات عملکرد جسمانی از بُعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان، بین دو گروه مداخله و کنترل تفاوت آماری معناداری نداشتند. به عبارت دیگر شأن درمانی منجر به بهبود عملکرد جسمانی مبتلایان به سرطان نشد. نتایج مطالعه Dose و همکاران (2018) در راستای نتایج پژوهش حاضر است و نشان داد که شأن درمانی بر بهبود و ارتقاء بهزیستی و عملکرد جسمانی مبتلایان به سرطان پانکراس و ریه تأثیر ندارد (29). اما نتایج پژوهش Vergo و همکاران (2014)، Rudilla و همکاران (2016) و Houmann و همکاران (2014) در راستای نتایج حاصل از پژوهش حاضر نمی‌باشد. نتایج پژوهش Vergo و همکاران نشان داد که شأن درمانی باعث بهبود بُعد جسمانی مبتلایان به سرطان کولورکتال پیشرفته در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل شده است (30).

در مطالعه Rudilla و همکاران نیز شأن درمانی منجر به کاهش علائم درد از زیرمجموعه بُعد جسمی بیماران تحت مراقبت در منزل در گروه مداخله شده بود (31). Houmann و همکاران نیز نشان دادند که شأن درمانی به عنوان مداخله‌ای برای کاهش درد مبتلایان به سرطان پیشرفته مناسب است (32).

در تبیین نتایج حاصل از پژوهش حاضر، توجه به شرایط و زمینه‌ای که این نتایج در آن حاصل شده‌اند، ضروری به نظر می‌رسد. در اکثر شرکت کنندگان پژوهش حاضر، حداکثر 12 ماه از تشخیص سرطان گذشته بود و در حال دریافت شیمی‌درمانی و یا رادیوتراپی بودند. دیسترس و کاهش عملکرد جسمی مبتلایان به سرطان نه تنها به دلیل ماهیت بیماری، بلکه در اثر عوارض جانبی شیمی‌درمانی نظیر تنگی نفس، اسهال، حالت تهوع، استفراغ و خستگی جسمی ایجاد می‌شود. لذا قسمت عمده کاهش عوارض جسمی و بهبود عملکرد جسمانی بیماران سرطانی، ارتباط مستقیم با انتخاب روش‌های درمانی با عوارض کم‌تر و درمان سرطان دارد (42). با توجه به این که شأن درمانی، مداخله‌ای است که بر ابعاد روحی و روانی بیماران متمرکز است (43)، عدم تأثیر شأن درمانی بر بهبود عملکرد جسمانی بیماران سرطانی قابل توجیه است. از دلایل تناقض نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات Vergo و همکاران، Rudilla و همکاران و Houmann و همکاران می‌توان به تفاوت در جمعیت مورد مطالعه، تفاوت در پرسشنامه‌های مورد استفاده، تفاوت در بستر فرهنگی جوامع و همچنین تفاوت در وسعت و شدت ابتلا به سرطان اشاره کرد.

تغییرات میانگین نمرات عملکرد شناختی از بُعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان 4 هفته بعد از مداخله در گروه‌های مداخله و کنترل نیز تفاوت آماری معناداری نداشتند که به معنای عدم تأثیر شأن درمانی بر بهبود عملکرد شناختی مبتلایان به سرطان است. مطالعات متعددی نشان‌دهنده وجود مشکلات شناختی نظیر اختلالات توجه، تمرکز، اختلالات گفتاری و حافظه در مبتلایان به سرطان می‌باشند (44-46). داروهای شیمی‌درمانی تأثیرات سایتوتوکسیک و نورو توکسیک دارند. داروهایی نظیر Doxorubicin باعث افزایش TNF α در مغز می‌شوند. افزایش TNF α منجر به اختلال عملکرد میتوکندری و استرس اکسیداتیو در سلول‌های هیپوکامپ و کورتکس مغز و در نتیجه

بروز اختلال شناختی می‌شود (47). نظر به این که اختلال شناختی ناشی از سرطان ارتباط مستقیم با عوارض شیمی‌درمانی دارد و با توجه به اینکه تمرکز و توجه شأن درمانی به جنبه‌های روحی - روانی بیماران سرطانی است، می‌توان عدم تأثیرشان درمانی بر بهبود اختلالات شناختی بیماران مبتلا به سرطان را توجیه کرد.

تغییرات میانگین نمرات ایفای نقش از بُعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان در گروه‌های مداخله و کنترل نیز تفاوت آماری معناداری نداشتند که به معنای عدم تأثیر شأن درمانی بر بهبود ایفای نقش مبتلایان به سرطان است. افراد در خانواده نقش‌های گوناگونی نظیر نقش همسری دارند. تغییر ظاهر و اختلال در کار غدد جنسی به دنبال شیمی‌درمانی، موجب کاهش ظرفیت جسمی و روانی بیماران سرطانی در ایفای نقش زناشویی و همسری می‌شود. از طرفی عوارض روحی ناشی از سرطان منجر به کاهش ظرفیت روانی مبتلایان در انجام نقش‌های گوناگون می‌شود. در این زمینه Lheureux و همکاران (2004) معتقدند که بستری شدن‌های مکرر مبتلایان به سرطان باعث مخدوش شدن ایفای نقش مبتلایان می‌شود (48). در مورد عدم تأثیر شأن درمانی بر بهبود بُعد ایفای نقش بیماران سرطانی در پژوهش حاضر می‌توان به ماهیت پروتکل شأن درمانی اشاره کرد. تمرکز و توجه شأن درمانی بر بهبود مسائل روحی و روانی بیماران سرطانی است، درحالی که سلامت نسبی جسم، نقش عمده‌ای در ایفای نقش بیماران سرطانی دارد. میانگین و تغییرات میانگین نمرات عملکرد اجتماعی و عملکرد هیجانی از بُعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان 4 هفته بعد از مداخله در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل افزایش معناداری را نشان دادند. این یافته به منزله تأیید تأثیرات مطلوب شأن درمانی بر بهبود ابعاد مذکور است. نتایج پژوهش Rudilla و همکاران (2014) همسو با نتایج پژوهش حاضر است. در پژوهش مذکور، اجرای پروتکل شأن درمانی منجر به آرامش خاطر و بهبود عملکرد هیجانی و

افزایش حمایت و عملکرد اجتماعی در مشارکت‌کنندگان گروه مداخله نسبت به گروه کنترل شده بود (31).

Houmann و همکاران (2014) نیز نشان دادند که شأن درمانی منجر به بهبود ارتباط بیماران با اعضای خانواده و بالعکس و به دنبال آن افزایش عملکرد اجتماعی مبتلایان به سرطان می‌شود (32). اما نتایج مطالعات Dose و همکاران (2018) و Vergo و همکاران (2014) همسو با نتایج پژوهش حاضر نیست. نتایج مطالعه Dose و همکاران نشان داد که شأن درمانی بر بهبود و ارتقاء بهزیستی هیجانی، بهزیستی اجتماعی و خانوادگی مبتلایان به سرطان پانکراس و ریه تأثیر ندارد. نتایج مطالعه Vergo و همکاران نیز نشان‌دهنده عدم تأثیر شأن درمانی بر بهبود علائم هیجانی و عاطفی مشارکت‌کنندگان بود (29، 30).

در توضیح تأثیر مطلوب شأن درمانی بر بهبود ابعاد عملکرد اجتماعی و عملکرد هیجانی مبتلایان به سرطان، توجه به ارتباط دوسویه ابعاد مذکور ضروری به نظر می‌رسد. شأن درمانی به بیماران فرصت می‌دهد تا موضوعاتی که برایشان مهم است یا مسایل دیگری (مطلوب یا نامطلوب) که مایل به یادآوری یا انتقال به دیگران هستند را بازگو کنند (49). بیماران در جلسات شأن درمانی می‌توانند با آرامش خیال و بدون ترس از قضاوت دیگران احساسات، تمایلات و خواسته‌های خود را از اعضای خانواده مطرح کنند. بیان احساسات در بیماران صعب‌العلاج باعث ایجاد احساس مطلوب و بهبود عملکرد هیجانی می‌شود (50). احتمالاً تأثیرات مطلوب شأن درمانی بر عملکرد هیجانی بیماران می‌تواند ناشی از ماهیت ابراز هیجانات مطلوب یا نامطلوب در قالب سند مولد باشد. پژوهشگران معتقدند که ابراز هیجانات با شیوه مثبت و سازنده تأثیر بسیار مطلوبی بر بهبود عملکرد هیجانی افراد دارد. اعضای خانواده بیمار نیز با مشارکت در اجرای پروتکل شأن درمانی نقش مهمی در بهبود عملکرد هیجانی بیماران دارند. عزیزان یا فرد مورد اعتماد بیمار (دریافت‌کننده سند مولد) فعالانه

بستر تامین خواسته‌های بیمار نزدیک مرگ را فراهم می‌کنند. اجرای مداخله شأن درمانی منجر به حمایت اجتماعی و معنوی بیش‌تر از بیمار مبتلا به سرطان توسط اعضای خانواده می‌شود و این موضوع باعث بهبود ارتباط با همسر و سایر اعضای خانواده می‌شود (51). به عبارت دیگر شأن درمانی با درگیر کردن و شرکت دادن اعضای خانواده و مراقبان اصلی بیمار سرطانی در امر مراقبت از بیمار منجر به توسعه ارتباطات بیمار (52) و به دنبال آن بهبود عملکرد اجتماعی می‌شود (53).

در مورد تناقض یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات Dose و همکاران و Vergo و همکاران می‌توان به تفاوت در شدت و وسعت سرطان اشاره کرد. در مطالعات مذکور مبتلایان به مراحل پیشرفته سرطان و سرطان‌های وخیم و بسیار کشنده مورد مطالعه قرار گرفتند. از دیگر دلایل تناقض در یافته‌ها می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران نسبت به جوامع غربی اشاره کرد. تفاوت در مسائل فرهنگی، اعتقادی و ارزشی جوامع می‌تواند بر نتایج نهایی ناشی از شأن درمانی تأثیر داشته باشد (33). در توضیح و تبیین این تفاوت می‌توان گفت که اصولاً در ایران با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، افراد در مواقع بحرانی بیش‌تر در معرض دریافت حمایت‌های اجتماعی توسط اعضای خانواده هستند. این در حالی است که در جوامع با فرهنگ انگلوساکسون به مفهوم خانواده و حمایت اجتماعی کم‌تر توجه می‌شود (54). تغییرات میانگین نمره کلی بُعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان بعد از مداخله بین دو گروه مداخله و کنترل تفاوت معنادار آماری داشتند. این یافته به منزله تأثیرات مطلوب شأن درمانی بر بهبود و ارتقاء بعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان است. به‌طور کلی روند تغییرات در جنبه عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به

سرطان پس از اتمام مداخلات، نشان‌دهنده مؤثر بودن شأن درمانی بر کیفیت زندگی بیماران سرطانی در گروه مداخله نسبت به گروه کنترل است. با توجه به این که گروه‌های مورد مطالعه، از نظر متغیرهای زمینه‌ای، اختلاف آماری معنی‌داری نداشتند، با اطمینان زیادی می‌توان گفت که بهبود بُعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان ناشی از مداخله شأن درمانی است. شأن درمانی می‌تواند به عنوان مداخله‌ای ارزشمند به منظور بهبود بُعد عملکردی کیفیت زندگی مبتلایان به سرطان مورد استفاده قرار گیرد. آموزش پروتکل شأن درمانی به پرستاران و به کارگیری آن می‌تواند مداخله‌ای مؤثر در جهت ارائه مراقبت‌های تسکینی به بیماران سرطانی با حداقل هزینه و حداکثر اثربخشی و به دنبال آن بهبود عملکرد مبتلایان به سرطان باشد.

پیشنهاد می‌شود در مطالعات آینده تأثیر شأن درمانی بر کیفیت زندگی با سایر روش‌های مراقبت‌های تسکینی مقایسه شود. همچنین بررسی تأثیر شأن درمانی بر کیفیت زندگی و علائم دیسترس جسمی و روانی بیماران مزمن نظیر ام‌اس و معلولین جسمی توصیه می‌شود.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به نمونه‌گیری از یک مرکز درمانی و یک شهر (بیمارستان ایرانمهر بیرجند) اشاره کرد. همچنین دریافت شیمی درمانی یا رادیوتراپی توسط مشارکت کنندگان در زمان مداخله از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود.

سپاسگزاری

نویسندگان از معاونت تحقیقات و فن‌آوری دانشگاه علوم پزشکی بیرجند جهت حمایت مالی از این پروژه تحقیقاتی قدردانی می‌نمایند. از همه مشارکت کنندگان در مطالعه حاضر تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

1. Mednis D. The growth of chronic conditions: Search for solutions to the problem. *Chronic Dis Transl Med* 2017; 3(2): 82-88.
2. Abad M, Gangy R, Sharifian E, Nikdel R,

- Jafarzadeh M, Jafarzadeh F. Epidemiologic distribution of cancer in a 10-year study: Retrospective review of hospital records and pathology centers of North Khorasan Province from 2003 to 2012. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences* 2015; 6(4): 689-696 (Persian).
3. Mohammadi G, Akbari ME, Mehrabi Y, Motlagh AG. Quality Assessment of the National Cancer Registry in Iran: Completeness and Validity. *Iranian Journal of Cancer Management* 2016; 9(6): e8479 (Persian).
 4. Rouhollahi MR, Mohagheghi MA, Mohammadrezaei N, Ghiasvand R, Motlagh AG, Harirchi I, et al. Situation analysis of the national comprehensive cancer control program (2013) in the IR of Iran, assessment and recommendations based on the idea impact mission. *Arch Iran Med* 2014; 17(4): 222-231 (Persian).
 5. Nayak MG, George A, Vidyasagar M, Mathew S, Nayak S, Nayak BS, et al. Quality of life among cancer patients. *Indian Journal of Palliative Care* 2017; 23(4): 445-450.
 6. Sitlinger A, Zafar SY. Health-related quality of life: the impact on morbidity and mortality. *Surg Oncol Clin N Am* 2018; 27(4): 675-684.
 7. Vrinten C, McGregor LM, Heinrich M, von Wagner C, Waller J, Wardle J, et al. What do people fear about cancer? A systematic review and metasynthesis of cancer fears in the general population. *Psycho Oncology* 2017; 26(8): 1070-1079.
 8. Peate I. *Alexander's Nursing Practice E-Book: Hospital and Home*. 5th ed. Elsevier Health Sciences; 2019.
 9. Caruso R, Giulia Nanni M, Riba MB, Sabato S, Grassi L. Depressive spectrum disorders in cancer: diagnostic issues and intervention. A critical review. *Curr Psychiatry Rep* 2017; 19(6): 33.
 10. Sundaresan P, Sullivan L, Pendlebury S, Kirby A, Rodger A, Joseph D, et al. Patients' perceptions of health-related quality of life during and after adjuvant radiotherapy for T1N0M0 breast cancer. *Clin Oncol (R Coll Radiol)* 2015; 27(1): 9-15.
 11. Issazadegan A, Sepehrianazar F, Matlabi Student M. Comparing the purpose of life and quality of life, in cancerous patients and healthy individuals. *Nurs Midwifery J* 2016; 13(12): 1097-1103 (Persian).
 12. Zakinejad M, manokian a, nasrabadi a, shamshiri a. Dignity Therapy: A New Approach to Improving the Quality of Life in Cancer. 17th National Congress of the Iranian Association of Medical Oncology and Hematology: Iranian Association of Medical Oncology and Hematology; 2018. (Persian).
 13. Hosseini A, Rezaei M, Bahrami M, Abbasi M, Hariri H. The relationship between dignity status and quality of life in Iranian terminally ill patients with cancer. *Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research* 2017; 22(3): 178-183 (Persian).
 14. Üstündağ S, Zencirci AD. Factors affecting the quality of life of cancer patients undergoing chemotherapy: A questionnaire study. *Asia Pac J Oncol Nurs* 2015; 2(1): 17-25.
 15. Puchalski C, Ferrell B, Virani R, Otis Green S, Baird P, Bull J, et al. Improving the quality of spiritual care as a dimension of palliative care: the report of the Consensus Conference. *J Palliat Med* 2009; 12(10): 885-904.
 16. Roientan S, Azadi S, Mahmoodi A, Hosseini M, Sadegh R. The Effectiveness of Acceptance, Commitment, and Group Therapy Based on Hope Therapy Approach to Depression in Cancer Patients. *Armaghane Danesh* 2019; 24(5): 841-852 (Persian).

17. Ferioli M, Zauli G, Martelli AM, Vitale M, McCubrey JA, Ultimo S, et al. Impact of physical exercise in cancer survivors during and after antineoplastic treatments. *Oncotarget* 2018; 9(17): 14005-14034.
18. Kumar V, Sattar Y, Bseiso A, Khan S, Rutkofsky IH. The effectiveness of Internet-based cognitive behavioral therapy in treatment of psychiatric disorders. *Cureus* 2017; 9(8): e1626.
19. Bagheri H, Yaghmaei F, Ashktorab T. patient dignity and related factors: a qualitative meta-synthesis study. *Knowledge and Health* 2011; 6(1): 49-56 (Persian).
20. Mai SS, Goebel S, Jentschke E, van Oorschot B, Renner KH, Weber M. Feasibility, acceptability and adaption of dignity therapy: a mixed methods study achieving 360 feedback. *BMC Palliative Care* 2018; 17(1): 73.
21. Chochinov HM, Hack T, Hassard T, Kristjanson LJ, McClement S, Harlos M. Dignity therapy: a novel psychotherapeutic intervention for patients near the end of life. *J Clin Oncol* 2005; 23(24): 5520-5525.
22. Chochinov HM. Dignity-conserving care—a new model for palliative care: helping the patient feel valued. *JAMA* 2002; 287(17): 2253-2260.
23. McClellan FM. Healthcare and Human Dignity: Law Matters (critical issues in health and medicine): Rutgers University Press; 2019.
24. Kittelson S, Scarton L, Barker P, Hauser J, O'Mahony S, Rabow M, et al. Dignity Therapy Led by Nurses or Chaplains for Elderly Cancer Palliative Care Outpatients: Protocol for a Randomized Controlled Trial. *JMIR Res Protoc* 2019; 8(4): e12213.
25. Barnosky AR. Dignity Therapy: final words for final days. *JAMA* 2012; 307(23): 2550.
26. Borhani F, Abbaszadeh A, Rabori RM. Facilitators and threats to the patient dignity in hospitalized patients with heart diseases: a qualitative study. *Int J Community Based Nurs Midwifery* 2016; 4(1): 36-46 (Persian).
27. Krikheli L, Mathisen BA, Carey LB. Speech-language pathology in paediatric palliative care: A scoping review of role and practice. *Int J Speech Lang Pathol* 2018; 20(5): 541-553.
28. Santos JC, Bashaw M, Mattcham W, Cutcliffe JR, Vedana KGG. The biopsychosocial approach: towards holistic, person-centred psychiatric/mental health nursing practice. *European Psychiatric/Mental Health Nursing in the 21st Century: Springer*; 2018. 89-101.
29. Dose AM, McCabe PJ, Krecke CA, Sloan JA. Outcomes of a Dignity Therapy/Life Plan Intervention for Patients With Advanced Cancer Undergoing Chemotherapy. *J Hosp Palliat Nurs* 2018; 20(4): 400-406.
30. Vergo MT, Nimeiri H, Mulcahy M, Benson A, Emmanuel L. A feasibility study of dignity therapy in patients with stage IV colorectal cancer actively receiving second-line chemotherapy. *J Community Support Oncol* 2014; 12(12): 446-453.
31. Rudilla D, Galiana L, Oliver A, Barreto P. Comparing counseling and dignity therapies in home care patients: A pilot study. *Palliat Support Care* 2016; 14(4): 321-329.
32. Houmann LJ, Chochinov HM, Kristjanson LJ, Petersen MA, Groenvold MA. Prospective evaluation of Dignity Therapy in advanced cancer patients admitted to palliative care. *Palliat Med* 2014; 28(5): 448-458.
33. Akechi T, Akazawa T, Komori Y, Morita T, Otani H, Shinjo T, et al. Dignity therapy: Preliminary cross-cultural findings regarding implementation among Japanese advanced

- cancer patients. *Palliat Med* 2011; 25(1): 40-50.
34. Lindqvist O, Threlkeld G, Street AF, Tishelman C. Reflections on using biographical approaches in end-of-life care: dignity therapy as example. *Quali Health Res* 2015; 25(1): 40-50.
 35. Mystakidou K, Tsilika E, Parpa E, Galanos A, Vlahos L. Brief cognitive assessment of cancer patients: evaluation of the Mini Mental State Examination (MMSE) psychometric properties. *Psycho Oncology: Journal of the Psychological, Social and Behavioral Dimensions of Cancer* 2007; 16(4): 352-357.
 36. Jones Jr HR, Srinivasan J, Allam GJ, Baker RA. *Netter's Neurology*. 2nd ed. E-Book: Elsevier Health Sciences; 2011.
 37. Sohrabi MB, Zolfaghari P, Mahdizade F, Aghayan SM, Ghasemian-Aghmashhadi M, Shariati Z, et al. Evaluation and comparison of cognitive state and depression in elderly admitted in sanitarium with elderly sited in personal home. *Knowledge & Health Journal* 2008; 3(2): 27-31 (Persian).
 38. Vaghee S, Rabbani Javadi A, Mazlom SR, Davoudi N, Modares Gharav M. The effect of dignity therapy on human dignity in patients with chronic renal failure undergoing hemodialysis. *Evidence Based Care* 2013; 3(2): 63-72 (Persian).
 39. Safaee A, Moghim Dehkordi B. Validation study of a quality of life (QOL) questionnaire for use in Iran. *Asian Pac J Cancer Prev* 2007; 8(4): 543-546 (Persian).
 40. BehzadiPour S, Sepahmansour M, Keshavarzi F, Farzad V, Naziri G, Zamanin S. Effectiveness of Stress Management Based on Cognitive-Behavioral Intervention on Quality of Life and Coping Styles for Female with Breast Cancer. *Journal of Psychological Models and Methods* 2013; 3(12):29-46 (Persian).
 41. Dewolf L, Koller M, Velikova G, Johnson C, Scott N, Bottomley A, et al. EORTC Quality of Life Group translation procedure. 3rd ed. Brussels, Belgium: EORTC quality of life group; 2009.
 42. Pearce A, Haas M, Viney R, Pearson SA, Haywood P, Brown C, et al. Incidence and severity of self-reported chemotherapy side effects in routine care: A prospective cohort study. *PLoS One* 2017; 12(10):e0184360.
 43. Martínez M, Arantzamendi M, Belar A, Carrasco JM, Carvajal A, Rullán M, et al. 'Dignity therapy', a promising intervention in palliative care: A comprehensive systematic literature review. *Palliat Med* 2017; 31(6): 492-509.
 44. Meyers CA, Albitar M, Estey E. Cognitive impairment, fatigue, and cytokine levels in patients with acute myelogenous leukemia or myelodysplastic syndrome. *Cancer* 2005; 104(4): 788-793.
 45. Ahles TA, Saykin AJ, McDonald BC, Furstenberg CT, Cole BF, Hanscom BS, et al. Cognitive function in breast cancer patients prior to adjuvant treatment. *Breast Cancer Research and Treatment* 2008; 110(1): 143-152.
 46. Wefel JS, Saleeba AK, Buzdar AU, Meyers CA. Acute and late onset cognitive dysfunction associated with chemotherapy in women with breast cancer. *Cancer* 2010; 116(14): 3348-3356.
 47. Raffa RB. A proposed mechanism for chemotherapy related cognitive impairment ('chemo fog'). *J Clin Pharm Ther* 2011; 36(3): 257-279.
 48. Lheureux M, Raherison C, Vernejoux JM, Nguyen L, Nocent C, De Lara MT, et al. Quality of life in lung cancer: does disclosure of the diagnosis have an impact? *Lung Cancer* 2004; 43(2): 175-182.
 49. Martínez M, Arantzamendi M, Belar A, Carrasco JM, Carvajal A, Rullán M, et al.

- 'Dignity therapy', a promising intervention in palliative care: A comprehensive systematic literature review. *Palliat Med* 2017; 31(6): 492-509.
50. de Figueiredo JM. Depression and demoralization: phenomenologic differences and research perspectives. *Compr Psychiatry* 1993; 34(5): 308-311.
 51. Zamanzadeh V, Heidarzadeh M, Oshvandi KH, Lakdizaji S. Relationship between quality of life and social support in hemodialysis patients in imam khomeini and sina educational hospitals of tabriz university of medical sciences. *Medical Journal of Tabriz University of Medical Sciences* 2007; 29(1): 49-54 (Persian).
 52. Kristanti MS, Setiyarini S, Effendy C. Enhancing the quality of life for palliative care cancer patients in Indonesia through family caregivers: a pilot study of basic skills training. *BMC Palliat Care* 2017; 16(1): 4.
 53. Abadi Babil D, Dolatian M. A Survey on Social Support for Breast Cancer in Iran: A Review Study. *Clin Exc* 2018; 7(4): 48-56 (Persian).
 54. Moradi A, Taheri S, Javanbakht F, Taheri A. A meta-analysis on the relationship between mental health and social support in Iran. *Journal of Research Behavioural Science* 2013; 10(6): 1-9.